

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۰۷.۰۵.۱۰

جهان در چنگ سرمایه

جهان از دید معنوی، به عنوان ره‌ایشگاه مشترک مجموع انسانها ایجا د گردیده و از دید مادی هم به خاطر آنست که باشنده هایش غرض زنده ماندن، از مجموع داشته های روی زمین بدون مانع مستفید باشند، چنانکه صد ها و هزارها سال و تا آنگاه که آتش حرص مادی و استثمار انسان از انسان و استبداد زور و زر در سینه های عده قلیلی از این باشنده ها مشتعل نشده بود، همه در یک تلاش گروهی، از همه چیز جهان و تا آنجا که نیاز های شان ایجاب میکرد، متمتع میشدند. اما، وقتی شیطنت مربوط به حرص و آز، مال اندوزی و انحصار طلبی انسان بر انسان به کار افتاد، دیگر نعمتها و داشته های جهان پهناور در چهارچوب ملکیت های فردی در آمدند و آرام آرام، این ره‌ایشگاه مشترک و زیبایی نوع انسان، به زندان اکثریت و به آسایشگاه اقلیت زورمند و انحصارگر مبدل شد.

غنامۀ جهان ما، در همین جا پایان نمی یابد. از صبحگاهی که اولاد آزمند انسان کلید خزینۀ اسرار علم و تمدن و رسیدن به نهانگاه های این زیستگاه پهناور را به دست آورد، ناقراری جهان و انسانهای آن هم فزونی گرفت و خواب عادی از دیده گان بشر رخت بر بست. این ناقراریها، بی تابی ها و بی خوابی ها ظاهراً در فضای تمدن خواهی و اما، در واقع، به خاطر اضافه خواهی ها به نمایش در آمد. همین التهاب ناشی از اضافه جوئی و اضافه ستانی آدمی زاده در پوشش تمدن طلبی هاست که توسن تمدن جوئی اش به جای راه راست، متأسفانه به کجراه می تازد و اینک مشاهده میشود که پای این توسن شتابنده غالباً به چاله ها می لغزد و عنصر تمدن خواه را به گودالهای ترس و تباهی می افکند.

تاختن های بی رویه و افراط گرایانه به سوی خزاین پیدا و پنهان طبیعت، سوای اندیشیدن به عواقب آن، از یکطرف انسان معقول و متمدن را از جوهر معنویت و ارزشهای تفکر سالم و خود آگاهی انسانی به سوی خود فراموشی (از خود بیگانگی) و مادیت مطلق می کشاند و در فرجام، او را به ماشینی متحرک و اما بی روح و بی رمق مبدل میکند و از سوی دیگر، جهان ما را روز تا روز به آتشیخانه سوزان و لرزان و به اقامتگاه زهر آگین بی ثبات در می آورد.

آری ! هوای آلوده ، غذای مصنوعی و غیر طبیعی، آب غیرصحتی، باران زهری یا تیزابی ، آفتاب سرطان زا، شگاف برداشتن اوزون ، آتشفشان های بی موقع ، زلزله های تباهن، آب شدن یخ های قطبی، طوفانهای عظیم بحری، انفجارات زیر زمینی، خطر انتشار رادیو اکتیف، موجودیت سرسام آور سلاح های اتمی و غیره که همین اکنون زندگی و بقای نسل بشر را مختل کرده است ، زاده همین اضافه خواهی های آزمندانه و انحصار گریهای نا منصفانه است که از سوی اقلیت های زور گو و بی مسؤولیت علیه اکثریت نا توان و حتا علیه بقای طبیعی موجودیت جهان روا داشته شده و میشود.

علاوتاً ، همین زورگویان و انحصار گران جهان، زمین پهناور را بازم به خاطر حرص و آز از حد فزون و به منظور ایجاد افتراق و جدائی میان انسانهای هم سرنوشت، گسترش احساس کین و عداوت و به هم اندازی باشنده های روی زمین و به کار گیری وحشت و دهشت، خط اندازی کرده سد ها و مرز های غرض آلودی را به میان آورده اند.

اشتعال شعله های همین حرص و آز و قدرت طلبی های انسان بر انسان است که حاکمیت سرمایه را به وجود آورده و همین حاکمیت سرمایه و اضافه خواهی های ناشی از آن است که با جنگ و قلدری و خون ریزی در دامن جهان عجب گشته و در واقع، لازم و ملزوم یا علت و معلول شده اند.

پس، اگر امروز فقر و گرسنگی، بیماری و بی پناهی در سراسر جهان ما بیداد میکند، اگر آتش جنگ و جنایت در ساحات مختلف گیتی و از جمله در کشور غمزه ما (افغانستان) زبانه میکشد، اگر طوفان و آب خیزی و مصیبت های دیگر هزاران انسان را در یک چشم به هم زدن به کام نیستی پرتاب مینماید، اگر روز تا روز بر جمعیت یتیمان و بیماران و بینوایان افزوده میشود، اگر صلح و امنیت و مصنوعیت نا یاب و نا پدید میگردد و بالاخره، اگر بلای بیکاری و بی نانی و بی روزگاری دامن میلیونها زنده جان روی زمین را رها نمیکند، همه و همه ، زاده خصلت و موجودیت سرمایه و حاکمیت قهار آن است .

سرمایه داران بزرگ جهان چنان سیری نا پذیر اند که یک لحظه هم از زر اندوزی و استثمار نیروی انسان غافل نیستند و برای آنکه هرگونه مانع را از سر راه مقاصد خویش بردارند، همه گونه امکانات علمی، نظامی، اقتصادی، روانی، تبلیغاتی و اطلاعاتی را چون شعبده بازان ماهر در کف گرفته اند.

جالب اینست که همین زراندوزان بی رحم با آنکه جهان ما را با گسترش بی حد و حصر صنعت و سرمایه و با تولید سر سام آور مواد کمیاب و سلاح های مرگبار آلوده ، متضرر، بی ثبات و نا امن ساخته اند و علی رغم هشدار های ساینس دانان دنیا مبنی بر تباهی جهان، بازم به بی رحمی و بی توجهی و بی مسؤولیتی های شان در قبال پناهگاه یا امانت بشریت ادامه میدهند و شرم از خدا و وجدان هم ندارند.

مارا عقیده بر اینست که تا اقلیت های مسلح قلدر و نظام های سیری نا پذیر سرمایه داری وجود دارند و تا بهره کشی انسان از انسان و کشتن حق و عدالت در جهان حاکم باشد، نه شعله های جان سوز جنگ و ناامنی و غارت فرو خواهد نشست و نه جهان ما از تهدید و تهلکه و حتا تباهی و نا بودی رهائی خواهد یافت.

به آرزومندی استقرار صلح و سلامتی و احیای عظمت اصل انسان در یک جهان زیبایی با ثبات. (پایان)